سایت نیزاویسیمایا گازتا (25/6/2020)

**چگونه لیبی جهان عرب را دچار شکاف کرد**

نویسنده: راویل مصطفین، خبرنگار بین المللی

اسپانسرهای حفتر و سراج بدنبال متحدین جدید می گردند

تشدید جنگ داخلی در لیبی به تشدید تضادهای موجود در خاورمیانه بزرگ دامن می زند و این خطر را بدنبال دارد که بحران به یک درگیری بزرگ منطقه ای تبدیل شود و جهان عرب را بیشتر از پیش دچار شکاف کند.

نمونه ای از این روند را می توان در نشست اضطراری اخیر اتحادیه کشورهای عربی دید که در آن وضعیت لیبی بررسی شد و مخصوصا بیانیه رئیس جمهور عبدالفتاح السیسی درباره ورود سربازان مصری به لیبی و نامجاز بودن عبور از خطوط قرمز سرت - الجفره را مورد بحث و بررسی قرار دادند. اگرچه اتحادیه عرب طبق گفته دانشمند سیاسی لیبی مصطفی فیتوری در واقع چیزی شبیه به یک باشگاه است که در آن عاشقان گفتگو گردهم می آیند و تصمیمات آن غالباً حتی ارزش کاغذی را که بر روی آن نوشته شده اند ندارند اما نتایج جلسه اش کاملا بوضوح وضعیت فعلی دسته بندی کشورهای عربی را نشان می دهد.

قاهره نتوانست تصمیمی را به پیش ببرد که به طور قاطع بلندپروازی ترکیه را محکوم می کند و از مصری ها حمایت می کند. قطعنامه اتحادیه عرب به شماره 8523 مبهم بود. نویسندگان این قطعنامه به اصطلاحات عمومی در محکومیت حضور هر کشور خارجی در لیبی و دعوت به توقف هرچه سریعتر خونریزی بسنده کردند. البته پیشنهادات مصر که 6 ژوئن مطرح شدند و "اعلامیه قاهره" نامیده شدند مورد تاکید واقع شدند.

شکست دیپلماسی مصر تا حد زیادی ناشی از رویکردهای محتاطانه ای بود که الجزایر و تونس در مورد اوضاع لیبی در پیش گرفتند. هر دو کشور که با لیبی هم مرز هستند در وضعیت بسیار ظریفی قرار دارند. از یک طرف آنها نمی خواهند به جنگ لیبی وارد شوند و به طرفداری یکی از طرفها برخیزند زیرا این امر مملو از عواقب بسیار خطرناکی برای آنها است.

در الجزایر همین اواخر جنگی چند ساله با اسلامگرایان به پایان رسیده است اما با این حال اسلامگرایان از آنجا فرار نکردند بلکه فقط پراکنده شدند و به خانه هایشان رفتند. در تونس حزب اسلامگرای النهضه که از نظر عقیدتی نزدیک به اخوان المسلمین ترکیه و حزب حاکم عدالت و توسعه است از نفوذ زیادی برخوردار است. النهضه جایگاه قدرتمندی در پارلمان دارد. صادرات نیروهای جهادی سوریه توسط ترکیه به لیبی (آن هم نه تنها کسانی که عضو "اخوانیون" کمابیش معتدل هستند بلکه همچنین عضو القاعده و داعش هستند) می تواند وضعیت را هم در الجزایر و هم در تونس منفجر کند. زیرا اولاً جهادگران سوریه ای بیشتر دوست دارند مشغول غارتگری و کشت و کشتار شوند تا اینکه در نقش گوشت دم توپ ظاهر شوند. ثانیا وضعیت در این کشورها با ثبات نیست. الجزایر و تونس هنوز از بحران های حاد سیاسی بیرون نیامده اند و مشکلات اقتصادی و مالی را تجربه می کنند. در این کشورها جنبش اعتراضی اپوزیسیون که خواستار اصلاحات قاطع تر و برکناری نخبگان سیاسی قدیمی است آرام نگرفته است. علاوه بر این الجزایر سالهاست که با ترکیه همکاری دارد کمکهای اقتصادی از طرف ترکیهدریافت می کند و جمعیت زیادی از ترکها در آنجا سکونت دارند. ترکها امیدوار هستند (و این امید بی اساس نیست) که الجزایر اکنون در کنار ترکیه خواهد بود. و در اصل اکنون این چیزی است که دارد اتفاق می افتد. البته رهبری کشور به هر صورت کاروان تانک ها را به مرز لیبی می کشاند. مصر هم دقیقاً همین کار را انجام می دهد تا از مرزهای خود مراقبت کند و از ارتش ملی لیبی خلیفه حفتر پشتیبانی کند.

نبرد بین هواداران حفتر و سراج بر سر تونس نیز دیروز آغاز نشده است. دسامبر گذشته رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه بدون هیچ دعوتی به تونس پرواز کرد. آن دیدار بدون موفقیت خاصی به پایان رسید. و این بار قیس سعید رئیس جمهور تونس یک سفر دو روزه به پاریس داشت. آنکارا و پاریس برای جلب نظر تونسی ها به خود وراث کارتاژ را با کمکهای مالی اغوا کنند: نه چندان بزرگ اما بسیار مهم در مواجهه با مشکلات اقتصادی. تونسیها کمک را گرفتند اما جواب نهایی را ندادند.

در اینجا یک مفصل مهم دیگری نیز هرچه واضح تر دیده می شود که قطعاً بیشتر بر توازن قوا در خاورمیانه تأثیر می گذارد تا در جهان عرب. این مفصل آنکارا تهران است. تاکنون از ایران و ترکیه به عنوان کشورهایی یاد شده است که به همراه روسیه اتحادی را تشکیل داده اند که تعیین کننده وضعیت سوریه است. در همین حال در سال 2014 یک جلسه پنهانی بین نمایندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مقامات ترکیه برگزار شد که اگر نقطه آغاز این همکاری دوجانبه نباشد یک نقطه عطف مهم در این مسیر میباشد. امروز منافع ایران و ترکیه به جز سوریه در جاهای دیگری هم همپوشانی و تلاقی دار: اول در جنوب شبه جزیره عربستان، دوم در فلسطین و سوم در عراق جایی که توپخانه ایرانی از نیروهای ترکیه که در عملیات علیه شبه نظامیان حزب کارگران کرد به شمال عراق حمله کرده بودند پشتیبانی کرد.

همانطور که می دانید ترکیه "چتر" خود را بر روی قطر "باز کرد" که در سال 2017 مورد غضب عربستان سعودی واقع شد و به سرعت پایگاه نظامی خود را در آنجا مستقر کرد. باید در نظر داشت که قطر همزمان روابط تجاری با ایران را حفظ می کند. هر دو کشور موفق شدند در مورد تقسیم فلات قاره خلیج فارس که در آنجا مواد هیدروکربنی استخراج می کنند توافق کنند.

ترکیه در این اواخر با بهره گیری از این واقعیت که سعودی ها در واقع جنگ یمن را باخته اند تلاش می کنند خلائی را که احتمالاً در آنجا بوجود خواهد آمد از قبل پر کند. رسانه ها می نویسند كه آنكارا تحت پوشش ارائه كمكهای بشردوستانه به یمنی ها بطور گسترده ماموران اطلاعاتی حرفه ای را به آنجا می فرستد و انواع كمكها را به هواداران حزب اسلامگرای اصلاح كه آن هم نزدیك به اخوان المسلمین است ارائه می دهد.

<https://www.ng.ru/vision/2020-06-25/6_7895_vision.html>

مترجم: محمد سیفی، تاریخ ترجمه: 9/4/99